

دانش‌آموزانی که علاقه و آمادگی  
بیش‌تری دارند، می‌توانند پس از انجام  
تمرین‌های هر درس، عبارات و آیات این  
بخش از کتاب را نیز ترجمه کنند.  
پرسش از این عبارات جزء  
امتحان نیست.



## توضیحات مربوط به تمرین‌های آزاد

تمرین آزاد، جزء برنامه‌ی اصلی درس نیست. اگر دانش‌آموزان شرایط و آمادگی مطلوبی دارند، می‌توانید انجام دادن این تمرین‌ها را برعهده‌ی آنان بگذارید و برای کسانی که این وظیفه را انجام می‌دهند، امتیاز خاصی در نظر بگیرید.

در این قسمت، ترجمه‌ی برخی از عبارات‌ها و نیز بعضی نکته‌های ضروری مطرح

می‌شود.



## درس اول

### ۱- وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا: و آن چه به شما داد پیامبر پس آن

را بگیرید و آنچه نهی کرد شما را از آن پس دست بردارید. یعنی، عمل کردن به آن چه پیامبر دستور می دهد و ترک آن چه از آن نهی می کند، بر مردم واجب است. این عبارت زیبای قرآن کریم، علاوه بر اثبات شأن ولایت و حکومتی خاص برای پیامبر اکرم – صلی الله علیه و آله – دلیل بسیار خوبی است بر این که همه ی سخنان و دستورات ایشان بر ما حجت است. جالب این که همین عبارت کوتاه و زیبا بر عصمت پیامبر اکرم (ص) نیز دلالت دارد؛ زیرا خداوند ما را به پیروی از خطا فرمان نمی دهد. پس، اگر فرموده است که به گفتار پیامبر عمل کنیم، یعنی هیچ گناه و خطایی در آن راه ندارد.

### ۲- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ: پروردگارا، بیامرز برای ما و برای

برادرانمان (یعنی بیامرز ما و برادرانمان را) کسانی که پیشی گرفتند از ما در ایمان. «سَبَقُونَا» فعل ماضی و «نا» ضمیر مفعولی آن است (سَبَقُوا + نا). همان طور که می دانید، اگر پس از «سو» در فعل جمع کلمه ی چسبانی نیاید، «ا» پس از آن زینت قرار می گیرد؛ در غیر این صورت، این «ا» حذف می شود؛ مانند همین فعل یا فعل («خُذُوهُ») در همین صفحه از کتاب که چنین بوده است: خُذُوا + هُ. در این آیه ی زیبا حرف «ب» بهتر است «در» معنا شود.

### ۳- وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا: و قرار نده در دل های ما کینه برای (نسبت به)

کسانی که ایمان آوردند. این نکته، بسیار مهم و ارزشمند است که قلب انسان باید از دشمنی یا حسادت نسبت به مؤمنان پاک باشد.

به کمک معنای کلمه‌های زبر، آیات و عبارات قرآنی را ترجمه کنید.

صَوَّرَ: شکل داد  
أَحْسَنَ صَوْرَتَكُمْ: صورت‌هایتان را نیکو آراست.  
لَيْسَ بِنَهْنٍ مِّنْكُمْ: تعصیراً: بازگشت، مراجع  
لَعَلَّيْكُمْ: آنکار می‌کند.

۱. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ

۲. وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

تان ۴۰

۳. خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِأَرْبَعَةِ

۴. وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَتَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

تان ۴۰

۵. يُخَلِّقُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

۶. وَتَعْلَمُ مَا لَيْسَ بِنَهْنٍ مِّنْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

تان ۴۰

مع: بعضی از

## درس دوم

۱- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ: او کسی است که آفرید شما را پس بعضی

از شما کافر (می‌شود) و بعضی از شما مؤمن. یعنی، انسان‌ها پس از آفرینش، کفر و ایمان را به اختیار برمی‌گزینند.

۲- وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَتَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ: و شکل داد شما را پس صورت‌هایتان را

نیکو آراست و به سوی او بازگشت است.



## درس سوم

**۱- فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَنْتُمْ أَشْكَارٌ عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ:** پس اگر روی گردانیدید، پس بر پیامبر ما فقط پیام رساندن آشکار است. «تَوَلَّيْتُمْ» فعل ماضی است و همین گونه معنا می شود. همان طور که می دانید، در جمله های شرطی ممکن است فعل به صورت ماضی به کار رود ولی در چنین جمله های بیش تر، رابطه ی بین شرط و جزای شرط مورد نظر است، نه این که فعلی در زمان گذشته رخ داده و نتیجه ی خاصی داشته است. در زبان فارسی برای این که چنین مفهومی بیان شود، معمولاً آن را با فعل زمان حال (مضارع) بیان می کنند. از این رو می گوئیم: بهتر است فعل ماضی که پس از کلمه های شرطی می آید، به صورت مضارع معنا شود. با توجه به این توضیح، می توان این عبارت را چنین معنا کرد: «پس اگر روی بگردانید، پس بر پیامبر ما فقط پیام رساندن آشکار است.» منظور از قسمت دوم جمله این است که اگر شما از فرمان خدا و رسول او روی گردان شوید، تنها وظیفه ی پیامبر، این است که پیام الهی را به روشنی به شما ابلاغ کند.

**۲- فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ:** پس تقوای الهی را پیشه کنید تا می توانید. این یکی از آموزه های بزرگ قرآن است که هر تکلیف یا حتی دست یابی به هر چیز، متناسب با توان انسان در نظر گرفته شده است؛ از این رو، انسان برای گریز از انجام دادن تکلیف یا کسب خیر و کمال، هیچ بهانه ای ندارد و چه بسا اگر تمام توان خود را - هر چند که کم باشد - به کار ببرد، از سوی خدای متعال برترین پاداش ها را دریافت کند.

**۳- خَيْرًا لِنَفْسِكُمْ:** بهتر است برای خودتان. یعنی، اگر تقوای الهی را پیشه کنید و دستورات الهی را بشنوید اطاعت کنید و از مال خود در راه خدا انفاق کنید، برای خود شما بهتر است.

درس چهارم		
بلیغ، فرو می‌رود	بخرج، بالا می‌رود	زروب، طلوع
۱- یَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا		۱- حد:۱
۲- وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَخْرُجُ فِيهَا		۲- حد:۱
۳- وَ هُوَ نَزَّاهٌ أَلَمَّا نَسَبْنَاهُ ذُلًّا بِمَا نَكْتَلُونَ بِصَبْرٍ		۳- حد:۱
۴- هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ لَكُمْ لِيَأْتِيَ بِالنَّارِ		۴- حد:۱
۵- يُخْرِجُ خَلْقَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ		۵- حد:۱
۶- وَ إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرْؤُوفٌ رَحِيمٌ		۶- حد:۱

## درس چهارم

**۱- یَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا:** می‌داند (می‌شناسد) آنچه را که فرو می‌رود در زمین و آنچه را که خارج می‌شود از آن. یکی از مصداق‌ها برای آنچه در زمین فرو می‌رود، آب و برای آنچه خارج می‌شود، گیاهان است.

**۲- وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَخْرُجُ فِيهَا:** و آنچه نازل می‌شود از آسمان و آنچه بالا می‌رود در آن. این عبارت ادامه‌ی عبارت قبل است؛ یعنی، همه‌ی این‌ها را می‌داند و می‌شناسد. شاید منظور از آنچه از آسمان نازل می‌شود، آب و آنچه به آسمان بالا می‌رود، بخار آب باشد.

**۳- هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ عَبْدَهُ، آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ:** او کسی است که نازل می‌کند (فرو می‌فرستد) بر بنده‌اش نشانه‌های (آیات) روشن. «بَيِّنَاتٍ» به معنای دلایل روشن است. این کلمه جمع است؛ زیرا صفت «آیات» است و چون «آیات» جمع است، صفت آن نیز در عربی به صورت جمع می‌آید ولی در فارسی صفت به صورت مفرد می‌آید؛ هر چند که موصوف آن جمع باشند؛ مانند دانش‌آموزان زیرک. از این رو، در ترجمه‌ی عبارت، «بَيِّنَاتٍ» مفرد معنا شده است.

**درس پنجم**

به کمک معنای کلمات زیر، آیات و عبارات قرآنی را ترجمه کنید.

لا تشربوا، تشراباً	نوشیدنی
ما أحلّ الله حلالاً کره است.	لا تشربوا، حرام بادند.
	لا تشربوا، تجاوز کنید از حدود الهی.

۱. ما یسئ الذمّ خذوا زینتکم عند کلّ مسجد
۲. وَ تَقُولُوا لَا تَشْرَبُوا وَلَا تَشْرَبُوا
۳. إِلَهُ، لَا تُحِبُّ الشُّرْبِینَ
۴. مَا أَكَلُوا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ
۵. وَلَا تَقْتُلُوا لِلَّهِ لَا تُحِبُّ الشُّقَاقِینَ
۶. وَ تَقُولُوا بِنَا زُرَقْتُمُ اللَّهُ عَلَاً طَيِّبًا
۷. وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

## درس پنجم

۱- **یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجد:** ای بنی آدم (فرزندان آدم، آدمیان)، بگریید (برگریید) زینت (زیور)تان را در هر مسجد. در این جا به تناسب سایر اجزای جمله، کلمه‌ی «عند»، «در» معنا شده است. منظور از عبارت این است که در مساجد از زینت‌ها و لباس‌های خوب خود استفاده کنید.

۲- **یا ایها الذین آمنوا لا تحرّموا طیبات ما أحلّ الله لکم:** ای مؤمنان، حرام ندانید (حرام نکنید) غذاهای پاک (از) آن چه حلال کرده است خدا برای شما.

۳- **و کولوا مما رزقکم الله عللاً طیباً:** و بخورید از آن چه روزی شما کرده است خدا، حلال و پاکیزه (آن را).

۴- **واتقوا الله الذی أنتم به مؤمنون:** و تقوای خدا را پیشه کنید که شما به او مؤمن هستید. همان‌طور که می‌بینید، در این جا بهتر است «الذی» را «که» و «مؤمنون» را به صورت مفرد معنا کنیم.

**درس ششم**

به کمک معنای کلماتی زیر، آیات و عبارات قرآنی را ترجمه کنید.

لَحْنٌ: ما	لَوْلَا: بلی که	بِسْمِ اللَّهِ: در بسم الله	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود
وَقَرَأَ: خواند	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود
أَوَلَيْسَ: آیا نیست	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود
بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود	بِأَنفُسِكُمْ: با نفس خود

۱. إِنْ نَحْنُ نَرْتَلِنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۶۰
۲. وَتَرْتَلِنَا عَشْرًا مِائَاتًا بِتَحْوِيلٍ نَحْنُ نَقُودُهُمْ وَإِنَّا لَمُتَوَكِّلُونَ ۶۱
۳. وَتَرْتَلِنَا عَشْرًا مِائَاتًا بِتَحْوِيلٍ نَحْنُ نَقُودُهُمْ وَإِنَّا لَمُتَوَكِّلُونَ ۶۲
۴. لَمَّا أُنزِلَتْ مِنْ قِبَلِكُمْ آيَاتُنَا لَمَّا نُنزِلُ الْكِتَابَ عَلَيْكُمْ فَتَنَادَى السُّعُودُ وَنَادَى السُّعُودُ فَأَسْمَعَتْ ۶۳
۵. وَمَا يَلْقَاؤُا مِنْهُ إِلَّا عَذَابًا مُمِيزًا ۶۴
۶. لَمَّا نُنزِلُ الْكِتَابَ عَلَيْكُمْ فَتَنَادَى السُّعُودُ وَنَادَى السُّعُودُ فَأَسْمَعَتْ ۶۵

## درس ششم

۱- **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ:** قطعاً ما نازل کردیم قرآن را و قطعاً ما برای آن

نگه دارنده هستیم. اولاً ضمیر «نَحْنُ» که ضمیر فصل است، پس از «إِنَّا» معنا نمی‌شود و نیز لازم نیست حرف تأکید «لَهُ» در جمله‌ی دوم (لَحَافِظُونَ) معنا شود. جمله‌ی دوم را می‌توان این‌گونه نیز معنا کرد: «و قطعاً ما نگاه‌دارنده‌ی آن هستیم.»

۲- **فَمَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا:** پس آنچه به شما داده شد از چیزی، پس

کالای زندگی دنیاست. یعنی آنچه به شما داده شده است، کالای بی‌ارزش و از بین رفتنی دنیاست و در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: و آنچه نزد خداست بهتر و ماندگارتر است؛ البته برای کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.



## درس هفتم

۱- **الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ:** خدای رحمان (خدای بخشنده)، آموزش داد (یاد داد، آموخت)

قرآن را. بهتر است کلمه‌ی «الرَّحْمَنُ» را «خدای رحمان» یا «خدای بخشنده» معنا کنیم.

۲- **عَلَّمَهُ الْبَيَانَ:** یاد داد به او سخن گفتن را. در این جا بهتر است مفعول «به» را «به او» معنا کنیم.

۳- **وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ:** و بوته و درخت سجده می کنند. \* «نَجْم» به معنای ستاره نیز

هست ولی در این جا بهتر است آن را «بوته» - که نوعی رویدنی است - معنا کنیم.

۴- **وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ:** و آسمان را برافراشت (آن را) و قرار داد ترازو را.

همان طور که می دانید، ممکن است مفعول به فعلی، جلوتر از فعل بیاید. در این عبارت نیز مفعول به (السَّمَاءَ) جلوتر آمده است و ضمیر «ها» به آن برمی گردد اما در برگردان فارسی، ترجمه کردن ضمیر (آن را) ضرورتی ندارد. «ترازو» ابزار و نماد سنجش دقیق و عادلانه است و منظور از قرار دادن ترازو احتمالاً این است که همه چیز عالم براساس تقدیر، اندازه گیری و عدالت است. در روایات نیز نقل شده است که «بِالْعَلَلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»: یعنی آسمان ها و زمین به عدالت برپاست.

۵- **أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ:** که مبدا تجاوز کنید در ترازو (سنجش). یعنی، از مرز عدالت

تجاوز نکنید و همه‌ی کارهای خود را براساس عدالت انجام دهید.

۶- **وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ:** و برپا دارید وزن (سنجش) را به

انصاف و نگاهید (در) سنجش. به طور خلاصه، منظور از آیه‌ی شریفه آن است که در سنجش به عدل و داد عمل کنید و به نفع خود، از حق / سهم دیگران کم نگذارید.

۷- **وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ:** و زمین را قرار دادش برای مردم.





## درس هشتم

۱- **إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ**: قطعاً پروردگار من شنونده‌ی دعاست. «سَمِعَ» به معنای «شنیدن» و نیز «پذیرفتن» است. از این رو «سَمِيعُ الدُّعَاءِ» یعنی کسی که دعای انسان را می‌شنود و درخواست او را می‌پذیرد. در برخی از آیات نیز در توصیف گروهی می‌فرماید: «لَا يَسْمَعُونَ»؛ یعنی، این‌ها گوش شنوا و قلب پذیرا ندارند (مانند آیه‌ی ۱۰۰ سوره‌ی اعراف).

۲- **رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي**: پروردگارا، قرار ده مرا برپا دارنده‌ی نماز و (نیز) از فرزندانم یعنی، فرزندان را نیز از برپا دارندگان نماز قرار بده.

۳- **رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ**: پروردگارا و بپذیر دعای مرا. همان‌طور که در پاورقی کتاب آمده است، «دُعَاءِ» همان «دُعَائِي» است که برای تخفیف در تلفظ به صورت «دُعَاءِ» آمده است از این نمونه بسیار است؛ مانند: رَبِّ = رَبِّي، قَوْمٍ = قَوْمِي و ...

نکته‌ی دیگر این که چرا در این عبارت، «دُعَاءِ» همان «دُعَائِي» است ولی در عبارت «سَمِيعُ الدُّعَاءِ» چنین نیست. پاسخ این است که کلمه‌ی «الدُّعَاءِ» چون «ال» دارد، نمی‌تواند به ضمیر «ی» اضافه شود؛ یعنی، در زبان عربی «الدُّعَائِي» نادرست و مغایر با قواعد است. از سوی دیگر، عبارت «تَقَبَّلْ دُعَاءِ» حتماً لازم است «دُعَائِي» باشد؛ زیرا اگر در این جا کسره‌ی جانشین «ی» نباشد، چند غلط پیش می‌آید: یکی آن که «دُعَاءِ» مفعول به است و باید «دُعَاءِ» باشد؛ دوم این که این کلمه یا باید «ال» بگیرد یا «تنوین» و حال که چنین نیست، پس حتماً «دُعَائِي» بوده است.

۴- **وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ**: و کسانی که می‌گویند: پروردگارا، ببخش به ما از همسرانمان و فرزندانمان روشنی چشم؛ یعنی، کسانی باشند که ایمان و عمل صالح آن‌ها موجب رضایت خدا، افتخار و شادمانی ماست.

۵- **وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا**: و قرار بده ما را برای افراد باتقوا امام و پیشوا. یعنی، خدا یا در ما آن چنان صفات نیک و شایستگی و قابلیت ایجاد کن تا بتوانیم افراد باتقوا را ارشاد و هدایت کنیم و راهبر و پیشوای آن‌ها قرار گیریم. «اجْعَلْ» فعل امر و به معنای «قرار بده» و «نَا» مفعول به آن و به معنای «ما را» است.

درس نهم

به کمک معنای کلماتی زیر، آیات و عبارات قرآنی را ترجمه کنید.

آفتاب، دروغ گو، آنیم، گناهکار، تپش، خزانده می شود  
 بجزر تسلط کنیز؛ از روی تکبر، اسرار به مخالفت دارد.  
 کمان تم بستن آنها؛ چنان که گوی آن را تشبیه است.  
 (تخذهما هزوا) آن را مسخره می کند. نهی، خوارکننده

۱. قَوْلًا لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَنِيمٍ  
 ۲. يَسْمَعُ مَا مِنَ اللَّهِ تَتْلِي عَلَيْهِ  
 ۳. لَمْ يَجْعَلْ لِنَفْسِهِ أَكَانَ لَمْ يَسْتَعْمِلْهَا  
 ۴. فَتَقْتِرُونَ بِهَا نِجْمَ السَّمِ  
 ۵. وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا  
 ۶. أَلَمْ تَرَ أَنَّكَ نَهْمٌ عَذَابٍ لِّنَهْمٍ

۱۶۱

## درس نهم

۱- وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَنِيمٍ: وای بر هر دروغ گوی گناه کار. گاهی «لِ» به معنای «بر» است و نه

«برای».

۲- يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تَتْلِي عَلَيْهِ: می شنود آیات خدا را که خوانده می شود بر او. به کاربرد

حرف «که» توجه کنید.

۳- وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا: و هنگامی که دانست (اطلاع یافت) از آیات

ما چیزی را، مسخره کرد آن را؛ بهتر است فعل ماضی در جمله‌ی شرطیه (پس از إذا، إن و...) به صورت مضارع معنا شود (و هنگامی که اطلاع می یابد ... مسخره می کند ...).

به کمک معانی کلمه‌های زبور، آيات و عبارات قرآنی را ترجمه کنید.

فَلَمَّا رَوَىٰ دَامِرٌ بِلُحْصَىٰ دَاوُدَ بْنِ كَدَّ (الْبَيْحُ) بِرَوَىٰ كُنْ  
 كَانُوا يَخْتَلِفُونَ (اخلاف) دَامِرٌ أَهْوَاءَ هَرَسَهَا  
 عَلَنَ لَسْرِيفُو بِنِ الْأَنْثَرِ (والن مطر) لَا لِشَيْخٍ بِرَوَىٰ كُنْ

۱. وَ لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ عهده ۱۶

۲. وَ زَلَّلْنَا لَهُم مِّنَ الطُّيُوتِ وَ جَعَلْنَا لَهُم مِّنَ الْعَالَمِينَ عهده ۱۶

۳. إِنَّ زَكَّيَّكَ بِلُحْصَىٰ يَنْتَلِهِمْ يَوْمَ الْعِيَابَةِ

۴. فَمَا كَانُوا فِيمَاحٍ يَخْتَلِفُونَ عهده ۱۶

۵. لَمْ يَخْلُقْنَاكَ عَلَنَ لَسْرِيفُو بِنِ الْأَنْثَرِ قَالِبَتِهَا

۶. وَ لَا لِشَيْخٍ أَهْوَاءَ الْأَمْنِ لَا يَتَلَمَّسُونَ عهده ۱۶

## درس دهم

۱- وَ لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ: و قطعاً دادیم به بنی اسرائیل

کتاب (تورات) و حکمت (یا فرمان‌روایی) و پیامبری را.

۲- ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا: سپس، قرار دادیم تو را بر آیین حقی، پس

پیروی کن از آن. ضمیر «ها» به «شَرِيعَةً» برمی‌گردد.

۳- وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ: و پیروی نکن از هوا و هوس‌های کسانی که نمی‌دانند.

به کمک معانی کندهای زیر، آیات و عبارات قرآنی را ترجمه کنید.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّا بِأَعْيُنِنَا جَاهِلُونَ خَلْقًا  
 تَوَّابًا ۚ بَلْكَانَ أَهْلًا لَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا شَيْءٌ  
 سِرًّا وَلَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا سِرًّا ۚ بَلْكَانَ  
 أَهْلًا لَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا شَيْءٌ سِرًّا وَلَا  
 يَخْفَىٰ عَلَيْنَا سِرًّا ۚ بَلْكَانَ أَهْلًا لَا  
 يَخْفَىٰ عَلَيْنَا شَيْءٌ سِرًّا وَلَا يَخْفَىٰ  
 عَلَيْنَا سِرًّا ۚ بَلْكَانَ أَهْلًا لَا يَخْفَىٰ  
 عَلَيْنَا شَيْءٌ سِرًّا وَلَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا  
 سِرًّا ۚ بَلْكَانَ أَهْلًا لَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا  
 شَيْءٌ سِرًّا وَلَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا سِرًّا ۚ

۱. أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّا بِأَعْيُنِنَا جَاهِلُونَ خَلْقًا

۲. تَوَّابًا ۚ بَلْكَانَ أَهْلًا لَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا شَيْءٌ

۳. سِرًّا وَلَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا سِرًّا ۚ بَلْكَانَ

۴. أَهْلًا لَا يَخْفَىٰ عَلَيْنَا شَيْءٌ سِرًّا وَلَا

۵. يَخْفَىٰ عَلَيْنَا سِرًّا ۚ بَلْكَانَ أَهْلًا لَا

۶. يَخْفَىٰ عَلَيْنَا شَيْءٌ سِرًّا وَلَا يَخْفَىٰ

۷. عَلَيْنَا سِرًّا ۚ بَلْكَانَ أَهْلًا لَا يَخْفَىٰ

## درس یازدهم

۱- **أَنْ تَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ:** که قرار دهیم آن‌ها را مانند کسانی که

ایمان آوردند و کارهای خوب انجام دادند.

این آیه بیان می‌کند:

آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند. [به‌طوری که] زندگی آن‌ها و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند.

۲- **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا:** هر کس انجام داد (انجام دهد) کار خوب، پس برای

او ده برابر مانند آن است. «أَمْثَالِ» جمع است ولی در فارسی مفرد معنا می‌شود. معدود (اسمی که پس از عدد می‌آید) در عربی گاه مفرد است و گاه جمع ولی در زبان فارسی همیشه مفرد است.

۳- **وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ:** و ایشان ستم نمی‌شوند (به ایشان ستم نمی‌شود).



۴- **إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ:** پاداش داده می‌شوید (به شما پاداش داده می‌شود) فقط آن‌چه را انجام می‌دادید. توجه دارید که «إِنَّمَا» در ترجمه معمولاً بر سر جزء دوم جمله معنا می‌شود.

۵- **فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا:** پس امروز ستم نمی‌شود به شخصی چیزی. یعنی، امروز هیچ ستمی به کسی نمی‌شود.

۶- **وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ:** و می‌گوییم به کسانی که ستم کردند بچشید عذاب آتش را که آن را تکذیب می‌کردید. همان‌طور که می‌دانید، «ل» پس از افعالی از ریشه‌ی «قَوَّل»، به صورت «به» معنا می‌شود. نکته‌ی دیگر آن که فعل «كُنْتُمْ تُكَذِّبُونَ» به صورت ماضی استمراری معنا می‌شود. علاوه بر این، معمولاً فعل‌های «كَذَّبُوا» یا «تُكَذِّبُونَ» با حرف «ب» به کار می‌روند ولی این حرف معنا نمی‌شود؛ در نتیجه، ترکیب «بها» به صورت «آن را» معنا شده است.